

بررسی رابطه بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، شهر بهارستان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۳۲-۲۱

هنگامه حسینی^۱

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

نویسنده مسئول:

هنگامه حسینی

چکیده

آگاهی و شناخت معلمان از راهبردهای یادگیری خود تنظیمی، گامی است در جهت ارتقای سطح معلومات و مهارتهای آنان و بهبود وضعیت آموزش. استفاده از راهبردهای یادگیری خود تنظیمی به معلمان کمک می کند تا برنامه های آموزشی و روشهای تدریس را به گونه ای تنظیم کنند که افت تحصیلی را به حداقل رسانده و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را ارتقا بخشند.

هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ می باشد. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان می باشد که تعداد آنها بالغ بر ۵۲۲ نفر بوده است و در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل می باشند. با توجه به جدول مورگان، (۱۰۶) نفر، به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی (اس آر کیو) که توسط بوفارد و همکاران (۱۹۹۵) و همچنین پرسشنامه عملکرد تحصیلی که توسط ساعتچی و همکاران (۱۳۸۹) تهیه شده، استفاده شد. این پرسشنامه ها بین دانش آموزان مربوطه توزیع گردید. روش تحقیق از نوع همبستگی می باشد که با بهره گیری از نرم افزار SPSS اطلاعات بدست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد: به طور کلی بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به ترتیب بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین بعد فراشناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه معنی داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: یادگیری خود تنظیمی، بعد شناختی، فراشناختی، انگیزشی، عملکرد تحصیلی

مقدمه

مساله عملکرد تحصیلی در مدارس از جمله مسائلی است که ذهن رهبران و مدیران جامعه و در نتیجه محققان را به خود جلب کرده است. اینکه چه عواملی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان تاثیر می گذارد، یا سهم و مشارکت هر عامل چه اندازه است، همواره مورد توجه بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۶). در این میان شناخت عواملی که می تواند بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر بگذارد می بایست مورد توجه قرار گیرد؛ در این میان، یادگیری خود تنظیمی، نوعی از یادگیری است که می تواند نقش تعیین کننده ای در عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشته باشد.

در دهه های اخیر، یادگیری خود تنظیمی به عنوان یک عامل مؤثر در موفقیت و پیشرفت تحصیلی، مورد توجه قرار گرفته و پژوهشهای زیادی را به سوی خود جلب کرده است. زیمرمن و پونز (۱۹۹۰) یادگیری خود تنظیمی را به عنوان نوعی از یادگیری می داند که در آن فرد تلاش های خود را برای فراگیری دانش و مهارت بدون تکیه بر معلم و دیگران شخصاً شروع کرده و جهت می بخشد، به عبارت دیگر افراد مهارت هایی برای طراحی^۱، کنترل و هدایت فرایند یادگیری خود دارند و تمایل دارند یاد بگیرند و قادرند یادگیری را ارزیابی کنند. خودتنظیمی جریانی است که در آن دانش آموز شناخت ها، انگیزه و رفتارهای خود را به سوی کسب اهداف علمی هدایت می کند. خود تنظیمی مؤثر به داشتن بهترین حس در مورد کارآمدی شخصی برای یادگیری وابسته است و انگیزه را افزایش می دهد. (شانک، ۱۹۹۵).

سه مؤلفه یادگیری خود تنظیمی از دیدگاه بوفارد و همکاران (۱۹۹۵):

مؤلفه فراشناخت: شامل طرح و برنامه های دانش آموز در هنگام درس خواندن است. از قبیل به کارگیری راهبردهائی جهت زمان بندی مطالعه، خلاصه برداری و سازمان بندی مطالب. به عبارتی بعد فراشناختی به دانش ما درباره فرآیندهای شناختی خودمان و چگونگی استفاده بهینه از آنها برای رسیدن به هدفهای یادگیری گفته می شود. (سیف، ۱۳۸۰)

مؤلفه شناخت: در برگیرنده راهبردهائی است که دانش آموز برای به خاطر سپردن و درک بهتر مطالب از آن بهره می گیرد. به عبارتی مولفه شناخت، در برگیرنده به یادآوردن، فهمیدن، به کار بستن، تحلیل کردن، ارزشیابی کردن و آفریدن است. طبقه های این بعد به صورت سلسله مراتبی، یعنی از عینی به انتزاعی و از ساده به پیچیده تنظیم یافته اند. اساس نظریه شناختی را قانون تعادل روانی تشکیل می دهد. (باندورا، ۱۹۷۷)

مؤلفه انگیزش: شامل میزان علاقه، تداوم و پیگیری دانش آموز در ارتباط با مطالب درسی است. و به مجموعه عامل هایی که مردم را وادار می دارد به روش خاص رفتار و تلاش کنند تا به هدفهای مورد نظر دست یابند. (باندورا، ۱۹۹۷)

(پینتریچ^۲ و دی گروت^۳ ۱۹۹۰). در مورد مولفه های یادگیری خودتنظیمی بیان می کنند که: مولفه های شناختی و انگیزشی یک جنبه مهم یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموز در محیط کلاسی است. تعاریف مختلفی در مورد یادگیری خود نظم یافته^۴ وجود دارد، اما سه مؤلفه برای عملکرد کلاسی مهم بنظر می رسد، اول اینکه یادگیری خود نظم یافته، راهبردهای فراشناختی^۵ را در بر می گیرد که دانش آموزان برای طراحی^۶، بازبینی^۷ و اصلاح شناخت خود به کار می برند. اداره تکالیف^۸ تحصیلی توسط دانش آموزان و کنترل تلاشهایشان در زمینه این تکلیف، مؤلفه مهم دیگری در این زمینه است. مثلاً دانش آموزان توانمندی که در یک تکالیف مشکل ثابت قدم هستند و عوامل حواس پرت کننده ای مثل سر و صدای همکلاسی ها را نادیده می گیرند، درگیری شناختی خود را در تکالیف حفظ می کنند. از این رو قادر به عملکرد بهتر در آن تکالیف هستند. مؤلفه سوم در یادگیری خود نظم داده شده، راهبردهای شناختی^۹ هستند که دانش آموزان برای یادگیری، یادآوری، درک مطلب درسی استفاده می کنند. این راهبردهای شناختی انواع مختلفی از قبیل راهبردهای مرور ذهنی^{۱۰}، بسط دهی^{۱۱} و سازمان دهی دارند. دیده شده که درگیری فعال شناختی در یادگیری، پیشرفت تحصیلی را تقویت می کند. این سه مؤلفه اساس تعریف خودتنظیمی در یادگیری را تشکیل می دهند.

1. planing

2. pintrich

3. DeGroot

4. Self-regulated learning (SRL)

5. metacognitive strategies

6. planning

7. monitoring

8. management

9. cognitive strategies

10. rehearsal

11. elaboration

پدیده انگیزش، غالباً به علل رفتار و اینکه چرا انسان در مواقع مختلف دست به رفتارهای متفاوت می زند پاسخ می دهد. پژوهشهای انگیزش به بررسی کیفی اثر یادگیری های گذشته و ادراک فرد همراه با دیگر عواملی که بر رفتار انسان در یک موقعیت خاص، جهت، قوت و ثبات می بخشد محدود می گردد. (اتکینسون، ۱۳۶۷). یکی از راههای ایجاد علاقه در یادگیرندگان بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان به موفقیت بیشتری در یادگیری نایل می آیند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطلب تازه افزایش می دهد. (سیف، ۱۳۸۰).

ضرورت و اهمیت پژوهش

در سالهای اخیر به شکل فزاینده ای اهمیت تعلیم انسان آشکارتر شده است. انسان عصر حاضر بخش عمده ای از زندگی خویش را به عنوان یک یادگیرنده در مراکز آموزشی و تحصیلی به سر می برند و این موجب صرف مبالغ عظیمی در زمینه آموزش و پرورش می شود بدیهی است شناسایی عوامل مؤثر در یادگیری و راههای بهبود آن از دغدغه های اصلی متخصصین تعلیم و تربیت بوده است علاوه بر این متخصصین در جستجوی راههایی هستند که به کمک آن نه تنها دانش آموزان مطالب ارائه شده در آموزشگاه را بفهمند بلکه در امور تحصیلی خود انگیخته، فعال و علاقمند باشند و پیشرفت تحصیلی قابل توجهی کسب نمایند. (قاسمی فلاورجانی، ۱۳۷۴)

طاهری خراسانی (۱۳۷۸) اهمیت و ضرورت شناخت یادگیری خود تنظیمی را اینگونه بیان می کند: فرایند خودتنظیمی در یادگیری به دنبال فعال نمودن یادگیرنده و پذیرفتن مسئولیت از طرف وی نسبت به مسائل روزمره آموزشی خود می باشد. خودتنظیمی در یادگیری از اهمیت بسزایی در تعلیم و تربیت برخوردار است و نفوذ و گسترش آنها بر حیطه های گوناگون زندگی از جمله زندگی تحصیلی و آموزشگاهی قابل توجه است.

یکی دیگر از دلایلی که اهمیت و ضرورت استفاده از راهبردهای یادگیری خود تنظیمی را ضروری می سازد، توجه به این نکته است که: استفاده از راهبردهای خودتنظیمی در یادگیری، به دانش آموزان امکان می دهد به تعامل فعال تر و کارآمدتری با درون داده های اطلاعاتی در موقعیت های یادگیری بپردازند و از این طریق سطح عملکرد تحصیلی خود را ارتقا دهند.

هدف اصلی تحقیق

بررسی رابطه بین یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

بین یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

۱- بین بعد شناختی یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- بین بعد فراشناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

۴- بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در زمینه یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی تعدادی موجود بوده که با توجه به ارتباط دقیق تحقیقات مذکور با موضوع پژوهش تعدادی انتخاب و در این تحقیق ارائه شده است.

(کجباف، مولوی، شیرازی تهرانی، ۱۳۸۲) در تحقیقی تحت عنوان "رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی" به نتایج زیر دست یافتند: عملکرد تحصیلی به تنهایی با تمام متغیرهای پژوهش همبستگی دارد. ولی در

تحلیل رگرسیون گام به گام مشخص شد که بهترین پیش بینی کنندگان عملکرد تحصیلی، خود تنظیمی، خود کارآمدی و اضطراب امتحان هستند و در تبیین این مسئله می توان به این مورد اشاره داشت که دانش آموزانی که از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده میکنند، در هنگام تدریس معلم یا هنگام مطالعه، سعی می کنند همان موقع، با معنادار کردن اطلاعات، ایجاد ارتباط منطقی با اطلاعات قبلی، کنترل چگونگی این فرآیند و ایجاد محیط یادگیری مناسب، مطالب را یاد بگیرند و عملکرد تحصیلی خود را بالا ببرند.

طاهری خراسانی (۱۳۷۸) به بررسی رابطه استفاده از راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی در دروس ادبیات و ریاضیات در نمونه ای از دانش آموزان کلاس اول دبیرستان های ناحیه ۲ شیراز پرداخت. نمونه شامل ۲۹۱ آزمودنی (۱۵۱ دختر و ۱۴۰ پسر) بودند. نتایج نشان داد که میان یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی در درس ادبیات رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و داده ها در ارتباط با فرضیه دوم بیانگر رابطه مثبت و معنی دار میان استفاده از راهبردهای یادگیری خود نظم یافته و پیشرفت در درس ریاضی بود. همچنین یافته ها نشان داد که میان ضریب همبستگی خودتنظیمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس ادبیات در دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود ندارد. اما میان ضرایب همبستگی یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت در درس ریاضیات دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر میزان همبستگی میان خودتنظیمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی در ریاضیات و پسران بیشتر بود.

مایر و همکاران (۲۰۰۰) در ارتباط با یادگیری خود تنظیمی و خود کنترلی، به این نتیجه دست یافتند که اگر دانش آموزان احساس کنند که در انتخاب فعالیت های یادگیری شان محدودیت های بیرونی اعمال می شود و یا در فرایند یادگیری خودشان از خود کنترلی ندارند احتمالا هیچ وقت یاد نخواهند گرفت که از راهبردهای یادگیری استفاده کنند، در نتیجه به راهبردهای خود نظم یافته و همچنین به کارگیری آنها در فعالیت های یادگیرشان ارزش قائل نمی شوند.

رایزبرگ و زیمرمن^{۱۲} (۱۹۹۷) طی یک بررسی تحقیقاتی نشان دادند که دانش آموزان با استعداد نسبت به دانش آموزان غیر مستعد، غالباً بیشتر و مؤثرتر از راهبردهای یادگیری خودتنظیمی استفاده می کنند و می توانند این راهبردها را به تکالیف جدید تعمیم و انتقال دهند. بر این اساس خودتنظیم بار آوردن افراد با استعداد ممکن است پیشرفت تحصیلی آنان را افزایش دهد.

بوفاردو و همکاران در سال ۱۹۹۵ (به نقل از زیمرمن، ۲۰۰۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دانش آموزان با سطح توانایی متفاوت که دارای کارآمدی شخصی تصویری بالایی هستند، راهبردهای خود نظم دهی مؤثرتری را به کار می گیرند.

پینتریج و دی گروت (۱۹۹۰) در زمینه تعامل عوامل شناختی و انگیزشی به تحقیقاتی اشاره می نمایند که حکایت از نوعی ارتباط خطی میان عوامل انگیزشی (خودکارآمدی و ارزش درونی) با مؤلفه های خودتنظیمی (راهبردهای شناختی و فراشناختی و کوشش دانش آموز) دارند. به این شکل که با افزایش احساس کارآمدی و ارزش درونی، میزان استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی نیز افزایش می یابد و بالعکس. بهروزی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه یادگیری خود راهبر با عملکرد تحصیلی و رضایت از زندگی در دانش آموزان" به نتایج زیر دست یافتند: بین یادگیری خود راهبر و ابعاد آن (خود مدیریتی، رغبت به یادگیری و خود کنترل) با رضایت از زندگی و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بعد خود مدیریتی بهترین پیش بین رضایت از زندگی و بعد رغبت به یادگیری بهترین پیش بین عملکرد تحصیلی است. به عبارتی نتایج تحلیل نشان داد که مولفه های یادگیری خود راهبر، پیش بین مناسبی برای رضایت از زندگی و عملکرد تحصیلی هستند.

راس، گوآوینو، مارشال^{۱۳} (۲۰۰۳) در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین فهم دانش آموز از متنی که مورد مطالعه قرار می دهد و پیچیدگی امتحان و تکنیکهای خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی پرداختند. این مطالعه نشان داد که فهم پیچیدگی آموزشی درس و امتحان رابطه مثبتی با تکنیکهای خود تنظیمی دارد و این راهبردهای خود تنظیمی ارتباط مضاعفی با عملکرد تحصیلی دانش آموز دارد. دانش آموزانی که از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده کرده اند عملکرد تحصیلی بالاتری دارند.

اماندسن^{۱۴} (۲۰۰۳) در این تحقیق نقش باورهای انگیزش در خودتنظیمی شناختی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان و ارتباط بین تئوریهای خام (فرضیه صفر) توانایی و یادگیری خودتنظیمی با میانگین سنی ۱۳ تا ۱۴ سال گزارش شده است. نتایج بدست آمده ارتباط بین باورهای انگیزشی و بکارگیری راهبردهای خودتنظیمی و افزایش عملکرد تحصیلی را در دانش آموزان نشان می دهد.

اشل و کوآوی^{۱۵} (۲۰۰۳) در تحقیق خود ارتباط بین نظارت بر کلاس، راهبردهای خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی در یک گروه ۳۰۲ نفری از دانش آموزان مورد بررسی قرار دادند. ۴ روش نظارت بر کلاس بر مبنای تعادل بین نظارت معلم بر یادگیری و دانش آموز بر یادگیری مورد شناسایی قرار گرفت. یافته ها نشان داد زمانی که دانش آموز بر کلاس نظارت دارد به میزان بالایی از راهبردهای یادگیری خودتنظیمی استفاده می کند و زمانی که معلم بر کلاس نظارت دارد میزان استفاده از این راهبردها و در نتیجه عملکرد تحصیلی به حداقل می رسد. نتایج

¹² .Risenberg & Zimmerman

¹³ .Ross & Guavino & Reed & Marshall

¹⁴ .Ommundsen

¹⁵ .Eshel & Kohavi

تحقیق این فرضیه را تأیید می کند که هر دو موضوع عملکرد و پیشرفت تحصیلی و انتخاب راهبردهای خود تنظیمی به فرایندها و محیط کلاس وابسته است.

پینتریچ و دی گروت^{۱۶} (۱۹۹۰) در پژوهشی رابطه مؤلفه های انگیزشی و یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی در کلاس های علوم و زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میان دختران و پسران در زمینه استفاده از راهبردهای شناختی و خودتنظیمی و ارزش گزاری درونی تفاوتی وجود نداشت. پسران به طور معنادارتری نسبت به دختران کارآمدتر بودند و اضطراب امتحان کمتری داشتند. همچنین اضطراب امتحان با راهبردهای شناختی ارتباط نداشت ولی با خود تنظیمی بطور معناداری دارای همبستگی منفی بود. خودکارآمدی و ارزش گزاری درونی با خودتنظیمی همبستگی مثبت و معنی داری داشتند و نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که خودتنظیمی، اضطراب امتحان و خودکارآمدی بهترین پیش بینی کننده های عملکرد تحصیلی هستند.

تراویک^{۱۷} (۱۹۸۸) در تحقیقی بر روی دانشجویان با یک تاریخچه شکست تحصیلی، روابط میان راهبردهای یادگیری خود تنظیمی و انتظارات عملکرد تحصیلی را مورد بررسی قرار دارد. دانشجویان استفاده از راهبردهای یادگیری خود نظم یافته را گزارش دادند و میان راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و انتظارات عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معنی دار وجود داشت. (به نقل از طاهری خراسانی، ۱۳۷۸)

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق مورد نظر، این تحقیق از نوع همبستگی می باشد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

در این پژوهش، جامعه آماری در نظر گرفته شده، دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان بوده اند که ۵۲۲ نفر در نظر گرفته شدند. با توجه به جدول مورگان ۱۰۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی:

این پرسشنامه از مقیاس (SRQ) که توسط بوفارد و همکاران (۱۹۹۵) تهیه شده استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۹ سوال و بر اساس مقیاس لیکرت پنج گزینه ای (به هیچ عنوان با من تطابق ندارد، خیلی کم با من تطابق دارد، گاه گاهی با من تطابق دارد، نسبتاً با من تطابق دارد، کاملاً با من تطابق دارد) تنظیم گردیده است. این پرسشنامه در اختیار دانش آموزان قرار میگیرد. شامل ابعاد شناختی، فراشناختی و انگیزشی می باشد.

بعد شناختی یادگیری: از طریق سوالات ۸ تا ۱۶ پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی سنجیده می شود.

بعد فرا شناختی یادگیری: از طریق سوالات ۱ تا ۷ پرسشنامه یادگیری خودتنظیمی سنجیده می شود.

بعد انگیزشی: از طریق سوالات ۱۷ تا ۱۹ پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی سنجیده می شود.

به سوالات ۱-۲-۳-۴-۶-۷-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۹

گزینه به هیچ عنوان با من تطابق ندارد، امتیاز ۰

گزینه خیلی کم با من تطابق دارد، امتیاز ۱

گاه گاهی با من تطابق دارد، امتیاز ۲

نسبتاً با من تطابق دارد، امتیاز ۳

کاملاً با من تطابق دارد، امتیاز ۴ تعلق می گیرد.

به سوالات (۵، ۸، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸)

گزینه به هیچ عنوان با من تطابق ندارد، امتیاز ۴

گزینه خیلی کم با من تطابق دارد، امتیاز ۳

گاه گاهی با من تطابق دارد، امتیاز ۲

نسبتاً با من تطابق دارد، امتیاز ۱

کاملاً با من تطابق دارد، امتیاز ۰ تعلق می گیرد.

¹⁶ Pintrich & Degroot

¹⁷ Trawick.

روایی مورد استفاده در این پرسشنامه، روایی صوری می باشد، محقق برای سنجش سوالات این پرسشنامه از نظر اساتید بخش علوم تربیتی استفاده کرده است. در این تحقیق برای تعیین پایایی هر دو آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ در پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی در بعد شناختی ۰/۷۱ در بعد فراشناختی ۰/۸۵ و در بعد انگیزش ۰/۷۵ تعیین شد. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ در همه روشها بالاتر از ۰/۷ می باشد. پس آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

-پرسشنامه عملکرد تحصیلی:

در این تحقیق از پرسشنامه عملکرد تحصیلی که توسط ساعتچی و همکاران (۱۳۸۹) تهیه شده، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ سوال دو گزینه ای و در دو مقیاس بله و خیر می باشد.

پاسخ مطلوب برای سوالات: ۱۱-۱۲-۱۷-۱۸-۲۰-۲۳-۲۴-۲۶-۳۰-۳۲-۳۳-۳۵-۳۸-۳۹-۴۱-۴۴-۵۰-۵۱-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۹-۶۰ گزینه بله می باشد.

پاسخ مطلوب برای سوالات: ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹-۲۱-۲۲-۲۵-۲۷-۲۸-۲۹-۳۱-۳۴-۳۶-۳۷-۴۰-۴۲-۴۳-۴۵-۴۶-۴۷-۴۹-۵۲-۵۸ گزینه خیر می باشد.

روایی این پرسشنامه نیز روایی صوری می باشد.

جهت بدست آوردن پایایی آزمون در ابتدا پرسشنامه ها در اختیار ۳۰ نفر از اساتید نیمه وقت و تمام وقت دانشگاه آزاد اصفهان قرار گرفت و پس از تکمیل پرسشنامه ها، از آنان جمع آوری گردید. سپس با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ توسط نرم افزار SPSS، پایایی درونی پرسشنامه عملکرد تحصیلی، ۰/۶۸ تعیین شد که در حد قابل قبولی می باشد.

روش جمع آوری اطلاعات و نحوه اجرای پرسشنامه ها

در این تحقیق به منظور بررسی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی، از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی و شاخص های مرکزی و پراکندگی شامل میانگین، انحراف استاندارد و نیز آمار استنباطی شامل آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه ی اصلی و فرضیه ی ۱ و ۲ و ۳ و ۴ به کمک نرم افزار SPSS استفاده گردیده است.

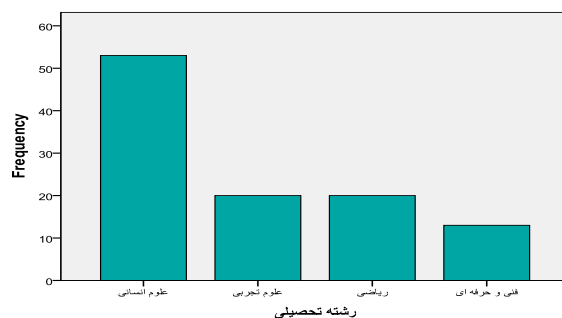
یافته ها

-توصیف نمونه آماری بر اساس رشته تحصیلی

جدول ۱: توزیع فراوانی افراد بر اساس رشته تحصیلی

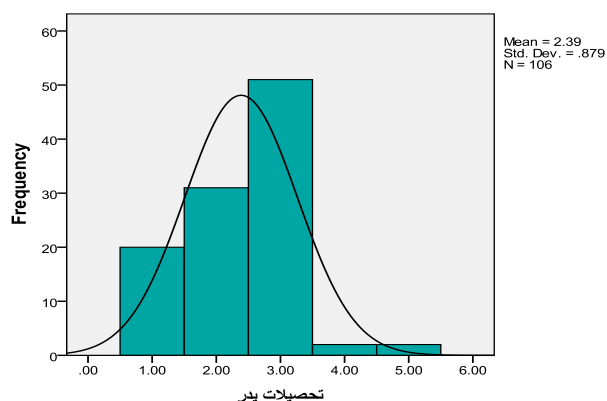
	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی	درصد تراکمی
علوم انسانی	53	50.0	50.0	50.0
علوم تجربی	20	18.9	18.9	68.9
ریاضی	20	18.9	18.9	87.7
فنی و حرفه ای	13	12.3	12.3	100.0
جمع	106	100.0	100.0	

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می کنید، در این تحقیق ۵۳ نفر از دانش آموزان رشته علوم انسانی، ۲۰ نفر رشته علوم تجربی، ۲۰ نفر رشته ریاضی و ۱۳ نفر رشته فنی و حرفه ای هستند.



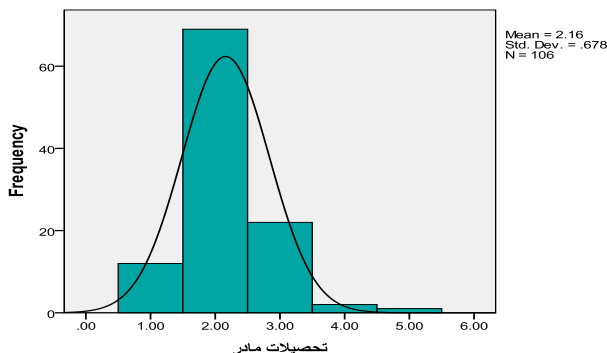
نمودار ۱- فراوانی دانش آموزان در رشته های مختلف تحصیلی

-توصیف نمونه آماری بر اساس تحصیلات پدر



نمودار ۲: فراوانی تحصیلات پدر دانش آموزان

-توصیف نمونه آماری بر اساس تحصیلات مادر



نمودار ۳: فراوانی تحصیلات مادر دانش آموزان

همانطور که می بینید: نمودار ۲ فراوانی تحصیلات پدر و نمودار ۳ فراوانی تحصیلات مادر دانش آموزان را نشان میدهد. که شماره ۱- بیسواد ۲- سیکل ۳- دیپلم ۴- فوق دیپلم ۵- لیسانس ۶- بالاتر از لیسانس را در نمودار زیر نشان می دهد.

فرضیه اصلی: بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
خود تنظیمی	0/001	/396
عملکرد تحصیلی		

همانطور که مشاهده می کنید بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم همبستگی 0/001 وجود دارد که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار می باشد. ($R=0/001$ ، $P>0/05$) ، $N=106$ و دو دامنه در نتیجه، بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی آنان رابطه معنادار (مثبت و معنادار) وجود دارد. به عبارتی، با افزایش یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان، سطح عملکرد تحصیلی آنان نیز افزایش می یابد.

فرضیه اول: بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد شناختی	0/03	-/25
عملکرد تحصیلی		

همانطور که مشاهده می کنید بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، همبستگی 0/03 وجود دارد که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار می باشد. ($P>0/05$) ، $R=0/03$ ، $N=106$ و دو دامنه در نتیجه بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی آنان رابطه معنادار (مثبت و معنادار) وجود دارد. به عبارتی، با افزایش بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان، سطح عملکرد تحصیلی آنان نیز افزایش می یابد.

فرضیه دوم: بین بعد فرا شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴ - ضریب همبستگی پیرسون بین بعد فراشناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد فرا شناختی	0/93	0/09
عملکرد تحصیلی		

همانطور که مشاهده می کنید بین بعد فرا شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، همبستگی 0/93 وجود دارد؛ که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار نمی باشد. ($R=0/09$ ، $P>0/05$) ، $N=106$ و دو دامنه در نتیجه بین بعد فراشناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی آنان رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵ - ضریب همبستگی پیرسون بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد انگیزشی	0/04	-/19
عملکرد تحصیلی		

همانطور که مشاهده می کنید بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، همبستگی 0/04 وجود دارد که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار می باشد. ($R=0/04$ ، $P>0/05$)

، $N=106$ و دو دامنه) در نتیجه بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، رابطه معنادار (مثبت و معنادار) وجود دارد. به عبارتی، با افزایش بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان، سطح عملکرد تحصیلی آنان نیز افزایش می یابد. فرضیه چهارم: بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶- ضریب همبستگی پیرسون بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رشته تحصیلی	۰/۹۳	-۰/۰۸
عملکرد تحصیلی		

همانطور که مشاهده می کنید بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، همبستگی ۰/۹۳ وجود دارد؛ که با توجه به سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار نمی باشد. ($N=106$ ، $R=08$ ، $P>05$) و دو دامنه) در نتیجه بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری

۱- نتایج حاصل از فرضیه اصلی تحقیق:

بین یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می کنید بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

همبستگی 0/001 وجود دارد که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار می باشد. ($N=106$ ، $R=396$ ، $P>0/05$) و دو دامنه در نتیجه، بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار (مثبت و معنادار) وجود دارد. به عبارتی، با افزایش یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان، سطح عملکرد تحصیلی آنان نیز افزایش می یابد. یافته های این تحقیق از نظر کلی با نتایج تحقیق کجباف و همکاران (۱۳۸۲) و طاهری خراسانی (۱۳۷۸) بهروزی و همکاران، (۱۳۹۲) مایر و همکاران (۲۰۰۰) رایزمرگ و زیرمران (۱۹۹۷) و اشل و کوآوی (۲۰۰۳) اماندسن (۲۰۰۳)، راس، گوآوینو، مارشال (۲۰۰۳) همسو می باشد. یافته های تحقیق آنان نشان داد که به طور کلی بین یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در تبیین این یافته می توان گفت: با توجه به اینکه در یادگیری خود تنظیمی، دانش آموز تلاش های خود را برای فراگیری دانش و مهارت بدون تکیه بر معلم و دیگران، شخصا شروع کرده و جهت می بخشد، و به عبارتی دانش آموز مهارت هایی برای طراحی، کنترل و هدایت فرآیند یادگیری خود پیدا می کند، بنابراین، این روند، باعث پیشرفت عملکرد تحصیلی یادگیرنده می شود. تبیین دیگری که در این زمینه می توان ارائه داد، ذکر این نکته است که: دانش آموزانی که از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده میکنند، در هنگام تدریس معلم یا هنگام مطالعه، سعی می کنند همان موقع، با معنادار کردن اطلاعات، ایجاد ارتباط منطقی با اطلاعات قبلی، کنترل چگونگی این فرآیند و ایجاد محیط یادگیری مناسب، مطالب را یاد بگیرند و عملکرد تحصیلی خود را بالا ببرند. (کجباف، مولوی، شیرازی تهرانی، ۱۳۸۲)

۲- نتایج حاصل از فرضیه های فرعی تحقیق:

۱- بین بعد شناختی یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می کنید بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، همبستگی 0/03 وجود دارد که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار می باشد. ($N=106$ ، $R=-25$ ، $P>0/05$) و دو دامنه در نتیجه بین بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار (مثبت و معنادار) وجود دارد. به عبارتی، با افزایش بعد شناختی یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان، سطح عملکرد تحصیلی آنان نیز افزایش می یابد. یافته های این تحقیق از نظر کلی با نتایج تحقیقات پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) همسو می باشد. یافته های تحقیق پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) نشان داد: بین راهبردهای شناختی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در تبیین این یافته می توان گفت: با توجه به اینکه مولفه شناختی شامل راهبردهایی برای به خاطر سپردن و درک بهتر مطالب می باشد، بنابراین دانش آموزان از این راهبردها بهره می برند. این راهبردهای شناختی، انواع مختلفی از قبیل راهبردهای مرور ذهنی، بسط دهی و سازمان دهی را شامل می شود و مشخص شده است که درگیری فعال شناختی در یادگیری، زمینه ارتقای عملکرد تحصیلی را فراهم می کند. (یوفارد و همکاران، ۱۹۹۵)

۲- بین بعد فراشناختی یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

همانطور که مشاهده می کنید بین بعد فرا شناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه دوم، همبستگی 0/۹۳ وجود دارد؛ که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار نمی باشد. ($R=0/93$ ، $P>0/05$) و دو دامنه در نتیجه بین بعد فراشناختی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، رابطه معناداری وجود ندارد. یافته های این تحقیق از نظر کلی با نتایج تحقیقات پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) غیر همسو می باشد. یافته های تحقیق پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) نشان داد: بین راهبردهای فرا شناختی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

۳- بین بعد انگیزشی یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد.

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می کنید بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم همبستگی 0/۰۴ وجود دارد که با توجه به سطح معناداری 0/05 در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار می باشد. ($N=106$ ، $R=19$ ، $P>0/05$) و دو دامنه در نتیجه بین بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار

(مثبت و معنادار) وجود دارد. به عبارتی، با افزایش بعد انگیزشی یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان، سطح عملکرد تحصیلی آنان نیز افزایش می یابد.

یافته های این تحقیق از نظر کلی با نتایج تحقیق کجیاف و همکاران (۱۳۸۲) و طاهری خراسانی (۱۳۷۸) مایر و همکاران (۲۰۰۰) رایزبرگ و زیمرمان (۱۹۹۷) و اشل و کوآوی (۲۰۰۳) همسو می باشد. یافته های تحقیق آنان نشان داد که به طور کلی بین مولفه های یادگیری خود تنظیمی از جمله بعد انگیزشی یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در تبیین این یافته می توان گفت: انگیزش شامل میزان علاقه، تداوم و پیگیری دانش آموز در ارتباط با مطالب درسی است و با توجه به اینکه یکی از راههای ایجاد علاقه در یادگیرندگان، بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روش های آموزشی است، پس از طریق یادگیری خود تنظیمی، یادگیرندگان به موفقیت بیشتری در یادگیری نائل می شوند و این کسب موفقیت، علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می دهد. بنابراین عملکرد تحصیلی آنان ارتقا پیدا می کند. (بوفارد و همکاران، ۱۹۹۵)

۴- بین رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بهارستان رابطه معنی داری وجود دارد. همانطور که در جدول ۶ مشاهده می کنید بین **رشته تحصیلی** و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، همبستگی $0.93/0$ وجود دارد؛ که با توجه به سطح معناداری $0.05/$ در نظر گرفته شده و میزان معناداری به دست آمده معنادار نمی باشد. در نتیجه بین $P > 0.05$ ، $N=106$ ، $R=0.08$ و دو دامنه رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. اگر بخواهیم رابطه رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی را با توجه به نقش یادگیری خود تنظیمی، در این تحقیق تبیین کنیم باید بگوییم: با توجه به اینکه فرآیند یادگیری خود تنظیمی، راهبردهایی را در بر می گیرد که یادگیرنده برای طراحی، بازبینی و اصلاح شناخت به کار می برد (راهبردهای فراشناختی) و از آن سو در راهبردهای شناختی، راهبردهایی برای یادگیری، یادآوری و درک مطلب درسی از قبیل مرور ذهنی و بسط دهی و سازمان دهی وجود دارد (پینتریچ ودی گروت ۱۹۹۰) بنابراین موفقیت در کسب یادگیری خود تنظیمی و به دنبال آن ارتقای عملکرد تحصیلی، ارتباطی با نوع و ساختار رشته تحصیلی ندارد.

-پیشنهادهای کاربردی

۱- پیشنهاد می گردد کلیه معلمان در راستای ایجاد علاقه و بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روشهای آموزشی اقدام کنند تا از این طریق دانش آموزان به موفقیت بیشتری در یادگیری خود تنظیمی نائل آیند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به مطلب تازه افزایش دهد.

۲- با توجه به اینکه یادگیری خود تنظیمی به دانش آموزان امکان می دهد به تعامل فعال تر و کارآمد تری با درون دادهای اطلاعاتی در موقعیت های یادگیری بپردازند، معلمان می توانند با تاکید بر یادگیری خود تنظیمی، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را بالا ببرند.

۳- با توجه به نتایج این پژوهش و معنی دار بودن رابطه بین بعد شناختی و انگیزشی یادگیری خود تنظیمی با عملکرد تحصیلی، لازم است معلمان نسبت به ایجاد محرک های خاص جهت افزایش قوه درک و استدلال دانش آموز و ارتقای توانایی های شناختی در یادگیری خود تنظیمی و همچنین افزایش علاقه و تداوم و پیگیری دانش آموز جهت ایجاد توانایی های انگیزشی در ارتباط با مطالب درسی اقدام کنند.

-پیشنهادهای پژوهشی

پیشنهاد می شود که در آینده، موضوعات زیر مورد بررسی قرار گیرد.

(۱) مقایسه راهبردهای خودتنظیمی برای یادگیری و باورهای انگیزشی در میان دختران و پسران دانش آموز.

(۲) بررسی رابطه بین هسته کنترل (بیرونی و درونی) با عملکرد تحصیلی.

محدودیت های تحقیق

(۱) عدم همکاری در تکمیل و تحویل به موقع پرسشنامه از طرف دانش آموزان به علت عدم آگاهی و محدودیت وقت.

(۲) استفاده از پرسشنامه جهت جمع آوری اطلاعات و عدم استفاده از سایر روشها مانند مصاحبه، مشاهده.

(۳) محدود بودن تحقیق به دانش آموزان مقاطع متوسطه دوم و در نتیجه عدم امکان تعمیم نتایج حاصله به کل دانش آموزان مقاطع دیگر تحصیلی.

مراجع

- اتکینسون و همکاران (۱۳۶۷) زمینه روانشناسی، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، انتشارات رشد، تهران.
- بهروزی، ناصر. شفایی، معصومه. مهرابی زاده هنرمند، مهناز. مکتبی، غلامحسین (۱۳۹۲) بررسی رابطه یادگیری خود راهبر با عملکرد تحصیلی و رضایت از زندگی در دانش آموزان. مجله علوم تربیتی. دوره ۶. شماره اول. سال ۹۲
- باندورا، البرت (۱۹۷۷) نظریه های یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، انتشارات راهگشا، تهران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۰) روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه تهران.
- ساعتچی، محمود. کامکاری، کامبیز. عسکریان، مهناز. (۱۳۸۹) آزمونهای روانشناختی. نشر ویرایش.
- ساک، رضا. قلی پور هفتخوانی، زهره. رضایی، منیره (۱۳۸۹) بررسی رابطه تعهد سازمانی معلمان با عملکرد تحصیلی دانش آموزان در مدارس راهنمایی دخترانه منطقه ۶. نشریه رهبری و مدیریت آموزشی. شماره ۱۳. مهر ۸۹.
- طاهری خراسانی، پروانه (۱۳۷۸) بررسی رابطه استفاده از راهبردهای خودتنظیم یافته با پیشرفت تحصیلی در درس ادبیات و ریاضیات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- طباطبایی، سید موسی (۱۳۷۶) بررسی ارتباط بین شیوه های اسناد علی و خود پنداره و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان های شهر سمنان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- قاسمی فلاورجانی، مریم (۱۳۷۴) بررسی کانون کنترل در دانش آموزان ایرانی و رابطه آن با متغیرهای پایه تحصیلی، جنسیت، طبقه اجتماعی و پیشرفت تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- کجباف، محمد باقر. مولوی، حسین. شیرازی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۲) رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خود تنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی.
- Ames, c., & archer, j.(1998). Achievement goals in the classroom : student learning strategies and motivation processes. Journal of educational psychology, 80,260-267.
- Bouffard, T, vezeau, c. & Bordeleau, c(1995).” A Developmental study of The Relation between combind learning and performance goals and student’s self-Regulated Larning”. British Jurnal of Education psychology. Vol. 68, p309-319.
- Bandura. A (1997). “ self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change”. Psychological Review. Vol. 84, p191-215.
- Eshel, Yohanan & Kohavl, Revital (2003). “ Perceived classroom control, self-regulated Learning straregies, and academic achievement”.Educatinoal Psycholigy, Vol. 23, Issue3, p249,12p.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2000) Emotional intelligence as zaitgeist. as personality, and as a mental ability. In R, Bar-on., & J. D. A, Parker. The handbook of emotional intelligence: theory, development, assessment, and application at home, school, and in the work place. San Francisco: Jossey- Bass. pp. 92-117.
- Ommundsen, Yngvar (2003). “ Implicit theories of ability and self-regulation strategies in physical education classes”. Educational psychology, Vol. 23 Issue 2, P141.17P.
- Pintrich, paul & DeGroot, Elisabeth (1990). “ motivational and self- regulated learning Components of classroom academic performance Educatioal Psycholigy. Vol. 82, No. 1,P33-40.
- Risemberg, R. & Zimmerman, B. J (1997). “ self-regulated rearning in gifted student”. Roeper-Review, Vol. 15, P98-101.
- Sink, c. a, Barnett, j. e & Hixon, j. e (1991). “self-regulated learning and achivenent by middle school children”. Psychological Reporrts. Vol. 69,P979-989.
- Schunk, Dale, H (1995). “ development of strategic Competence through self- regulation of attribuyions”. 26, paper presented at the Annual Mwwting of the American psychological Association (New yourk).
- Schunk, d.h.(1995). Goal and self-evaluative influences during childrens cognitive skill learning. American educational research journal, 33, 359-382.
- Wentzel, Kathryn (2001). “relations between social co,petence and academic achievment in early adolescence”. Child Development, Vol. 62 Issue 5, P1066, 13P, 4 charts.
- Zimmermn. J & Bandura. A. (1994). “impact of self-regulatory influences on writing course attainment;. American educational research journal, Vol. 31, P845-862
- Zimmerman, b.j., & martinez-pons, m.(1990). Student differences in self- regulated learning : relating grade, sex, and giftedness to self-efficacy and strategy use. Journal of educational psychology, 80, 51-59.